

تفسیر روان و ساده قرآن کریم
قسمت بیست و یکم، سوره بقره

ذکر کتاب

درس گفتارهای
استاد سید هادی عظیمی

بهار ۱۴۰۳



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا
أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ
الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُقَرَّبِينَ، سَيِّمًا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي
الْأَرْضِينَ وَ اللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ
وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا.

قرآن، هدایتگر متقین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. ﴿الم﴾ «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ
فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ»^۱ این کتاب با عظمت کتاب هدایت
است. برای چه کسانی؟ برای متقین. باید مقدار بیشتری
در این باره با هم صحبت بکنیم؛ قرآن کتاب هدایت
است و قرار است متقین را هدایت کند.

ویژگی‌های متقین

متقین چه کسانی هستند؟ «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ
وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»^۲ متقین کسانی
هستند که حداقل‌ها را داشته باشند. باید این حداقل‌ها
را انسان با عقل و فطرت به آنها برسد.

۱. سوره بقره آیه ۲

۲. سوره بقره آیه ۳

ایمان به غیب تقلیدی نیست. مصداق کامل غیب خداست که منشأ هستی است. برای پی بردن به منشأ هستی، عقل و فطرت به ما کمک می‌کند. کسی که بخواهد به سمت منشأ هستی برود، به نقشه راه نیاز دارد. قرآن نقشه راه است، آمده تا راه رسیدن به بی‌نهایت را به ما نشان بدهد.

بنابراین، کسی که می‌خواهد حرکت کند، باید حداقل‌ها را داشته باشد؛ یعنی پذیرفته باشد غیبی هست. و می‌خواهد به سوی غیبِ هستی که بی‌نهایت است و عقل و فطرت او را اثبات می‌کند برود. آنگاه برای رسیدن به آن، نیاز به نقشه راه دارد.

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ﴾ باید بندگی را در رفتارش و در همه ابعاد زندگیش نشان بدهد. به فقرا توجه داشته باشد، ﴿وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ باشد. یعنی تقوای اعتقادی و رفتاری و اقتصادی داشته باشد این حداقل‌ها را باید داشته باشد. مثل کسی که می‌خواهد به مشهد برود، باید ماشینش سالم باشد. اگر ماشینش سالم نباشد تابلوها و نقشه راه، به درد او نمی‌خورد، چون نمی‌تواند در جاده برود. داشتن تقوا، یعنی فکر و رفتار انسان درست باشد. تقوای اقتصادی در اموالش داشته باشد. اگر اینطور باشد آنگاه قرآن راه را نشان می‌دهد.

قرآن، کتاب هدایت به سوی ولایت

قرآن، کتاب هدایت به سوی ولایت است و ما را به سوی حاکمیت صالحان در کل جهان هدایت می‌کند که بدون این حاکمیت الهی، هیچ کس به کمال نمی‌رسد. قرآن آمده تا ما را برساند به جایی که انسان کامل باشیم. ولی برای رسیدن به این مقام، باید حاکمیت صالحان وجود داشته باشد تا زمینه را برای رسیدن به این مقام برای ما فراهم کند. بر اساس روایتی که داریم می‌توانیم بگوییم متقین کسانی هستند که ولایت امیرالمومنین علیه السلام را قبول دارند. اگر کسی ولایت و امامت امیرالمومنین علیه السلام را قبول داشته باشد، نظام فکری و اعتقادی سالم است. ماشینش سالم است؛ لذا در این راه می‌تواند از تابلوها و نقشه راه، سود ببرد. اگر کسی ولایت امیرالمومنین علیه السلام را قبول نداشته باشد، این نقشه راه و قرآن به دردش نمی‌خورد بلکه به وسیله قرآن ممکن است گمراه بشود. چون خودش زمینه و لیاقت ندارد که به آیات قرآن هدایت بشود. لذا از آیات قرآن برداشت غلط می‌کند، مثل خوارجی که در مقابل حضرت امیرالمومنین علیه السلام، از آیات قرآن برداشت غلط می‌کردند. با ایه **﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ﴾** به جنگ امیرالمومنین علیه السلام رفتند. با آیه قرآن، می‌خواستند ولایت علی را نفی بکنند.

کسانی که با قرآن گمراه می‌شوند

﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾^۳ این قرآن شفاء و رحمت است برای مومنین ﴿وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾^۴ اما آن کسانی که ظالم‌اند، این قرآن به دردشان نمی‌خورد و موجب خسارتشان می‌شود. و نیز در سوره بقره می‌فرماید ﴿وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الفَاسِقِينَ﴾^۵ عده‌ای با قرآن گمراه می‌شوند ﴿يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا﴾^۶ قرآن می‌فرماید خیلی‌ها با این آیات قرآن با مثل‌هایی که ما در قرآن می‌زنیم، گمراه می‌شوند. یعنی نه تنها نمی‌فهمند بلکه برداشت غلط می‌کنند و با این آیات، به جنگ خدا می‌آیند. خب بنابراین چکار کنیم که آیات قرآن برای ما هدایت باشد و ما را به مقصد برساند؟ شرط لازم این است که متقی باشیم. شرط لازم متقی بودن این است که ولایت امیرالمومنین را قبول داشته باشیم.

پس ﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ یعنی هدایت است برای کسانی که پیرو ولایت امیرالمومنین علیه‌السلام هستند. اگر کسی ولایت علی علیه‌السلام را داشت یعنی ایمان به غیب دارد، ﴿وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ﴾ را هم دارد ﴿وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾ هم هست. نمی‌شود کسی ولایت علی علیه‌السلام را قبول

۳. سوره اسراء آیه ۱۷

۴. سوره اسراء آیه ۸۲

۵. سوره بقره آیه ۲۶

۶. سوره بقره آیه ۲۶

داشته باشد و اینها را نداشته باشد. بنابراین، قرآن آمده تا ما را هدایت کند به سوی ولایت امیرالمومنین علیه السلام که با ولایت امیرالمومنین علیه السلام برسیم به حاکمیت جهانی معصومین علیهم السلام در کل عالم.

اینکه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «**عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ** وَ **الْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ**»^۷، قرآن با علی علیه السلام است، علی هم با قرآن است. یعنی امیرالمومنین علیه السلام حافظ و ترجمان و مُبَيِّن و مُفَسِّر قرآن است. علی باید در کنار قرآن باشد، مثل نقشه خوان است؛ اگر شما نقشه راه داشته باشید، ولی نقشه را بلد نباشید بخوانید به درد نمی خورد. نقشه خوان نیاز دارید تا بگوید این علامت اینجا به چه معناست. لذا پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، امانت خودش را در کنار اهل بیت قرار داد «**أَنْتِ تَارِكٌ فَيْكُمْ الثَّقَلَيْنِ؛ كِتَابِ اللَّهِ وَ عِزَّتِي**»^۸ کتاب خدا باید در کنار عترت باشد. کسی که عترت و اهل بیت را قبول نداشته باشد، از قرآن برداشت های غلط می کند. قرآن به دردش نمی خورد. کسی که گفت حسبنا کتاب الله جل جلاله. حرف اشتباهی زد. چون کتاب خدا، منهای مُفَسِّر این کتاب، می شود آنچه که امروز ما می بینیم، از درونش داعش بیرون می آید. آیا معنی قرآن با علی است، یعنی علی در جیبش قرآن دارد؟ خیر. قرآن با علی است یعنی روح قرآن، علی

۷. أمالی شیخ طوسی؛ ص ۴۶۰

۸. وسائل الشیعه؛ ج ۲۷ ص ۳۳

است. تجسّم و تجلّی قرآن، در وجود علی است. علی، قرآن ناطق است. خودش فرمود من قرآن ناطق هستم. اگر کسی این قرآن ناطق را نبیند، آنگاه قرآن صامت، برایش گمراهی می‌آورد. مثل کسانی که در جنگ صفین، فرمان حضرت علی علیه السلام را گوش نکردند. علی علیه السلام را ندیدند که قرآن ناطق است. قرآن بالای نیزه‌ها را دیدند و گفتند که اینها مسلمان هستند. قرآن را در دست لشکر معاویه بر بالای نیزه‌ها دیدند، ولی جنگیدن آنها با علی را ندیدند! آنها دارند با روح قرآن می‌جنگند، اما ظاهر قرآن را بالا آوردند و گفتند ما مسلمانیم و زیر سایه قرآن هستیم؛ چرا با ما می‌جنگید؟! و اینطوری بقیه را فریب دادند. علی روح قرآن است؛ اگر علی را از قرآن بگیریم، قرآن می‌شود ورق و کاغذ. ارزش قرآن به این است که روح دارد و روح قرآن ولایت است. اگر ولایت را از قرآن بگیریم، قرآن نه عظمت دارد و نه ارزشی را که خدای متعال برایش قائل است. به هر حال باید توجه داشته باشیم که وقتی خدا می‌فرماید این کتاب، هدایت برای متقین است؛ متقین چه کسانی هستند؟ کسانی که ولایت امیرالمومنین علیه السلام را قبول دارند.

راه امیرالمومنین، راه مبارزه با استکبار

امروزه کسانی هستند که می‌گویند ما قرآن را قبول داریم اما راه امیرالمومنین علیه السلام را قبول نداریم! راه

امیرالمومنین علیه السلام چیست؟ راه مبارزه با استکبار. اگر امیرالمومنین الان بود با آمریکا و اسرائیل می نشست مذاکره می کرد؟ آیا در مقابل آمریکا و اسرائیل کوتاه می آمد یا می جنگید و استقامت می کرد؟ قطعاً می جنگید. اگر کسی بگوید من قرآن را قبول دارم ولی مذاکره با مثلاً آمریکا را هم قبول دارم؛ این تضاد است. قرآن قبول ندارد مذاکره با آمریکا و شیطان بزرگ و طاغوت ها را و زیر بار آنها رفتن را. ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾^۹ هم قرآن قبول ندارد و هم مرام علی این نیست. دقت کردید؟ بنابراین، قرآن برای کسانی کتاب هدایت است که راه علی را قبول دارند، و او را به عنوان امام پذیرفتند و گفتمان و سیره علی علیه السلام در مسایل سیاسی را قبول دارند. قرآن به درد افراد زیر نمی خورد: کسی که قبول نداشته باشد امیرالمومنین را یا علی را به عنوان ولی و امام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله قبول نداشته باشد یا فقط امیرالمومنین را لفظاً قبول داشته باشد ولی مرامش و گفتمان و سیره و خط فکر سیاسی علی را قبول نداشته باشد.

لذا کسانی که گفتمان امیرالمومنین علیه السلام را قبول ندارند نسبت به قرآن احساس بی نیازی می کنند. قرآن برای آنها قدیمی و بی مفهوم است. اگر بخواهیم از قرآن استفاده کنیم شرطش این است که ولایت

۹. سوره نساء؛ آیه ۱۴۱

امیرالمومنین علیه السلام را قبول داشته باشیم و قبول ولایت امیرالمومنین علیه السلام فقط اسمی نیست بلکه باید سیره حضرت را قبول داشته باشیم. نرسد اگر به علی کسی، به کجا رود به کجا رسد؟ مقصد نهایی که قرآن بارها تاکید فرموده، ولایت صالحان است ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^{۱۰}.

در آیات بعدی می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ﴾^{۱۱} متقین کسانی هستند که آنچه نازل شده بر پیامبر صلی الله علیه و آله و پیامبران قبل، قبول دارند. به صورت کلی، گفتمان انبیاء علیهم السلام گذشته و گفتمان پیامبر صلی الله علیه و آله را قبول دارند این را در جلسات بعد عرض خواهم کرد که گفتمان انبیاء و پیامبر خدا چیست؟

مراد از مَا أُنزِلَ، حاکمیت محمد و آل محمد

اما یک مسئله مهم اینجا هست و آن اینکه، آن چیزی که بر پیامبر نازل شده چیست؟ در سوره مائده می‌فرماید ﴿بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾^{۱۲} ای پیامبر آنچه را که خدا بر تو نازل کرد را به مردم بگو. ﴿مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ﴾ چیست؟ در خیلی از آیات قرآن ﴿مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ﴾ آمده. در

۱۰. سوره انبیاء؛ آیه ۱۰۵

۱۱. سوره بقره؛ آیه ۴

۱۲. سوره مائده آیه ۶۷

روایت داریم که «مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ» همان ولایت و خلافت و امامتِ بلا فصل امیرالمومنین علیه السلام است که خدا جل جلاله در روز غدیر به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود این را رسماً به مردم اعلام کن. ولایت و خلافت علی بعد از خودت را رسمیت بده. پیامبر خدا همین کار را کردند «مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ». اگر ما این مسئله را از این زاویه نگاه کنیم که آن چیزی هم که به پیامبران قبل نازل شده، این است که پیامبران قبل هم، همه از آدم تا خاتم می‌دانند و خدا به آنها فرموده که بالاخره روزی محمد و آل محمد علیهم السلام حاکم بر جهان می‌شوند. در واقع عصاره همه آنچه که خدای متعال به پیامبران گذشته فرموده این است که در جهت حاکمیت محمد و آل محمد علیهم السلام در جهان تلاش کنید. آدم و نوح و ابراهیم، موسی و عیسی همه در این راستا تلاش کردند. همه می‌دانستند که روزی مهدی آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد آمد و یک حاکمیت جهانی صالحان در عالم شکل خواهد گرفت. همه حرکت‌ها در همین جهت بوده. یک جاده‌ای که بشر را برساند به حاکمیت صالحان باید ایجاد می‌شده. همه انبیاء در این جاده کار کردند.

بلا تشبیه، مثل جاده سازی امروز که یکی می‌آید مثلاً خط‌کشی می‌کند، یک عده دیگر جاده را تسطیح می‌کنند، بلندی‌ها را کوتاه می‌کنند، در چاله‌ها خاک می‌ریزند تا همسان بشود و بعد یک عده دیگر می‌کوبند

جاده را یک عده دیگر قیر پاشی و آسفالت، یک عده دیگر علامت‌گذاری و تابلوهای جاده‌ای که بشر را به سوی خدا می‌رساند. این یک جاده استراتژیک است.

صراط مستقیم، صراط علی بن ابیطالب علیه السلام

صراط مستقیم، همان صراط علی بن ابیطالب علیه السلام است که در روایت امام صادق علیه السلام فرمودند: راه مستقیم اتوبان و آزادراه و بزرگراهی که بشریت را می‌رساند به سرمنزل مقصود، راه علی ابن ابی طالب و ولایت امیرالمومنین است. همه انبیاء در گذشته این مسأله را می‌دانستند. خدا به همه فرموده بود. همه در این مسیر کار کردند. همه از روز اول می‌دانستند این مسیری را که دارند درست می‌کنند برای بشریت تا برسد به سرمنزل مقصود. این مسیر، مسیر حاکمیت صالحان، حاکمیت محمد و آل محمد است.

اگر اینطور نگاه کنیم دقیق تر می‌توانیم آیات قرآن را تفسیر بکنیم. آیات قرآن، همه برای این است که حقانیت امیرالمومنین علیه السلام را به ما نشان بدهد. قرآن کتاب هدایت است به سوی ولایت **﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾**. متقین یعنی کسانی که کف انسانیت را داشته باشند و ماشینشان سالم باشد. اما برای حرکت به سوی حاکمیت جهانی سالها نیاز به نقشه راه و نقشه‌خوان داشته باشند. آنگاه نقشه و تابلوهای جاده می‌تواند برایشان هدایت‌کننده باشد و الا اگر کسی در مسیر نباشد این

تابلوها و نقشه‌ها او را هدایت نمی‌کند حتی شاید به
گمراهی کشیده بشود.

خب انشاءالله در جلسه بعد به صورت تفصیلی درباره
﴿يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ
وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ﴾
بیشتر صحبت می‌کنیم و صلی الله علی محمد و اله
الطیبین الطاهرین.

